

درسی که بچه ها گرفتند

مثل دو تا قهرمان پهلوان

۴

۲۵۳
کوله پشته
ضمیمه روزنامه شهرآرا ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۴



مثل «رازی» هدف داشته باشید

بعد از یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام و درود فراوان به همه دوستان خوب و عزیز کوله پشته‌ی! امیدواریم که شاد و سرزنده باشید و توانسته باشید از فرصت تعطیلات تابستانی نهایت استفاده را بکنید و برای خودتان از راه درست و مشورت با افراد شایسته، یک هدف مناسب و ارزشمند پیدا کرده باشید.

بچه‌های عزیز، داشتن یک هدف درست و روشن برای هر فردی باعث می‌شود آن فرد در زندگی، تحصیل و کار خود، انگیزه لازم برای تلاش و حرکت و پیشرفت داشته باشد. هیچ وقت سرگردان نماند و احساس بی‌هدفی و بی‌فایده بودن به سراغش نیاید.

بله، امروز پنجم شهریور در تقویم، به پاس زحمات فراوانی که دانشمند ایرانی - ابوبکر محمد بن زکریای رازی - در زمینه علم داروسازی انجام داد، روز داروساز نام‌گذاری شده است.

این دانشمند بزرگ ایرانی آثار ماندگاری در زمینه پزشکی، شیمی، فلسفه و ریاضیات دارد و به عنوان کاشف جوهر گوگرد، اسید سولفوریک و نفت سفید شناخته می‌شود. بله رازی کاشف الکل و نویسنده کتاب‌های ارزشمندی مخصوصاً در حوزه داروسازی است که اگر تلاش و خدمت‌های او نبود امروز علم نمی‌توانست پیشرفتی داشته باشد. نکته جالب درباره زندگی این دانشمند بزرگ ایرانی که خوب است شما هم بدانید و از آن درس بگیرید این است

که رازی به دلیل علاقه‌اش به درس

شیمی و آزمایش‌هایی که انجام

داد، دچار مشکل بینایی

شد، اما باز هم مطالعه و

پژوهش را کنار نگذاشت

و برای رسیدن به هدفش

تلاش بیشتری کرد و

سرانجام موفق به کشف

الکل شد. پس شما

هم با تلاش و انگیزه

می‌توانید به هدف و

آرزویتان برسید.



طیبه ثابت

فهرست

نام حرکت: غلت زدن کر می ۱۱
یک کار خوب ۲۱
هوایی بر از پول ۳۱
مثل دوتا قهرمان پهلوان ۴۱
بستنی هلویی ۶۱
بانک‌ها و پول‌ها ۷۱
دارو را درست مصرف کن ۸۱
از خاطرات جذابم ۱۰۱
تلاوت در بیت رهبری است ۱۰۱
پر سر و صدای زیبا ۱۲۱
درس‌های گران بها ۱۴۱
به شهر بهشت خوش آمدید ۱۶۱

صاحب امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت:
ارژنگ حاتم
دبیر کوله پشته:
طیبه سادات ثابت
مدیر هنری:
سید هاشم دقیق
گرافیک و صفحه آرایی:
ملک جمعی
ویراستار:
طیبه غلام‌زایی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
پیام‌رسان روزنامه: ۰۶۰-۵۴۶۵۸۰۹۰
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی
دفتر مرکزی: ۱۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی مستقیم کوله پشته: ۲۷۸
توزیع و امور مشترکین: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



نام حرکت: غلت زدن کرمی



سلام به همه بچه های شاد و پرانرژی، امروز می خواهیم یک حرکت ورزشی جدید به نام غلت زدن کرمی را به شما یاد بدهیم.

برای این حرکت ابتدا با شکمت روی زمین دراز بکش.

سپس پاها را صاف کن، دست ها را هم کشیده به سمت جلو بگیر، انگار داری آماده می شوی که مثل یه کرم با مزه بخزی.

در این مرحله با یک فشار کوچک به شکم و پهلوی، بدن را به آرامی به سمت راست بچرخان.

دست ها و پاها بالا نباشند، باید صاف بمانند. سعی کن فقط با قدرت شکم و پهلوی بچرخانی نه با کمک دست و پا.

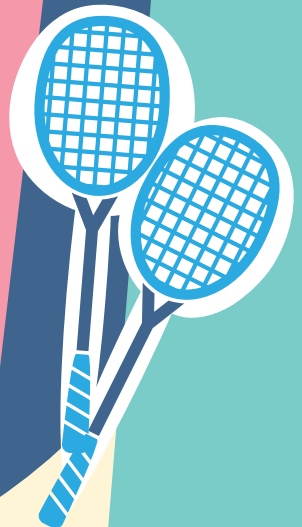
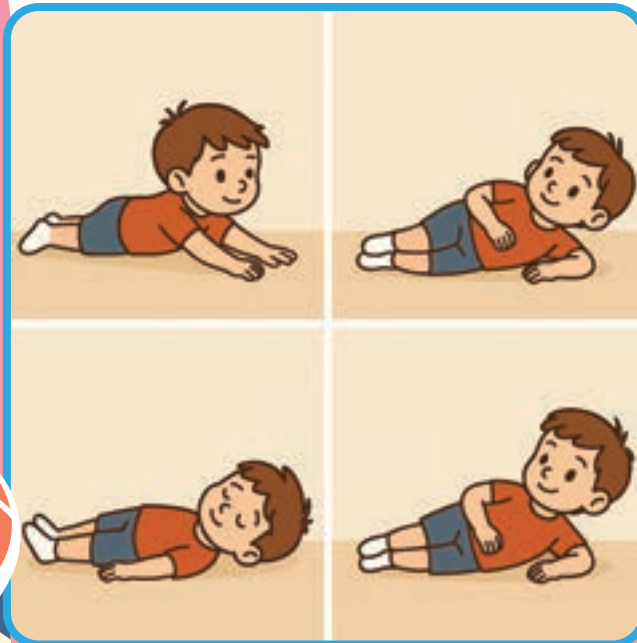
همین طور به چرخاندن ادامه بده تا پشتت کامل روی زمین بیفتد.

مواظب باش سر و گردنت را به زمین نکوبی، آرام آرام پیش برو.

حالا ادامه بده و بدنت را به سمت چپ بچرخان تا برسی به حالت خوابیده روی پهلوی چپ. دوباره حرکت را تکرار کن.

وقتی کامل چرخیدی، دوباره به سمت شکم برگرد. این طوری یک غلت کامل کرمی را انجام داده ای.

این حرکت کمک می کند تا خستگی های روز را فراموش کنی و پهلوها و شکمت قوی تر شود و ستون مهره هایت دچار بیرون زدگی نشود.





یک کار خوب

هست باباجانِ خوبم
واقعا دست و دل باز
باز کرده برایم
یک حساب پس انداز

گفته این پول باشد
مال روز مبادا
گفته تا من شوم مرد
پول می ماند آنجا

واقعا فوق العاده است
فکر بابا و مامان
پول ها شاد شادند
در حساب من الان

بانک یک جای امن است
بهتر از کیف و قلک
بهترین جا برای
یک پس انداز کوچک





هواپیمایی پراز پول



دوستان عزیز! هیچ می دانید، پس انداز یعنی کنار گذاشتن بخشی از پولی که به دستتان می رسد. چه خوب است که همه ما پس انداز را یاد بگیریم. دوست دارید با هم قلکی برای پس اندازمان درست کنیم. پس دست به کار شوید! شما با بطری آب می توانید یک قلک هواپیمایی زیبا درست کنید. ابتدا طول و عرض بطری را اندازه بگیرید. یک مستطیل به اندازه ی دور بدنه بطری روی مقوای قرمز یا هر رنگی که دوست دارید بکشید. دور آن را قیچی کنید و به دور بدنه بطری بچسبانید. روی بدنه هواپیما به اندازه ی ۵ یا ۷ سانتی متر خط بکشید و برش بزنید. بال های کناری و پروانه جلوی هواپیما را مطابق شکل روی مقوای بکشید و دورش را قیچی کنید. بال ها را به دو طرف بطری بچسبانید. در بطری را باز کنید. پروانه را به جلوی هواپیما وارد کنید و سپس در بطری را ببندید. روی مقوای زرد به اندازه ی در بطری دایره بکشید. دورش را قیچی کنید. به دو طرف بدنه ی هواپیما بچسبانید. با همین روش قلک های دیگری می توانید درست کنید.

چی لازم داریم؟

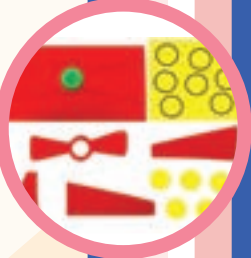
قیچی

بطری آب

چسب مایع

مقوای رنگی و جعبه خالی

لوله های مقوایی





درسی که بچه‌ها گرفتند

مثل دوتا قهرمان پهلوان



داد: «اولین کاری که باید بکنید این است که در یک کلاس کشتی ثبت نام کنید. آنجا هم می‌توانید کشتی یاد بگیرید، هم با دوستانتان رقابت کنید. چند تا از بچه‌های دیگر هم که آنجا ایستاده بودند، جلو آمدند و گفتند می‌خواهند در کلاس کشتی ثبت نام کنند. این جوری شد که آقای جوادی با بچه‌ها قرار گذاشت که عصر همان روز در سالن کشتی همدیگر را ببینند تا در کلاس کشتی ثبت نامشان کند. عصر بچه‌ها با هیجان و خوش حالی به ورزشگاه رفتند. آقای جوادی زودتر از آن‌ها رسیده بود. یکی یکی بچه‌ها را به مربی کشتی معرفی می‌کرد و می‌خواست که مربی اسمشان را در کلاس بنویسد. خیلی زود بچه‌ها لباس مخصوص کشتی پوشیدند و یکی یکی پشت سر هم روی تشک کشتی شروع به تمرین کردند. پیمان و پویا هم روبه روی هم ایستادند. حالا دیگر پیمان و پویا دنبال شکست دادن هم نبودند.

روزها گذشت و گذشت. بچه‌ها هر روز به ورزشگاه می‌رفتند. هم کشتی می‌گرفتند و هم چیزهای جدیدی یاد می‌گرفتند. تا اینکه کم‌کم توانستند کشتی گیران خوبی شوند. حتی چند نفر از آن‌ها برای مسابقات انتخاب شدند. آقای مربی اسم بچه‌ها را برای مسابقات اعلام کرد. پیمان و پویا هم بینشان بودند. پیمان با خوش حالی به پویا لبخند زد و گفت: «مطمئنم در مسابقات موفق می‌شوی. تو کشتی گیر خوبی هستی و حسابی قوی هستی.» پویا لبخند زنان جواب داد: «تو هم کشتی گیر معرکه‌ای شده‌ای. مطمئنم مسابقه را مثل آب خوردن می‌بری.» پیمان و پویا به هم لبخند زدند و در رؤیایشان داور مسابقه را دیدند که دست آن‌ها را مثل دو تا قهرمان بالا برده بود. پیمان و پویا مطمئن بودند که خیلی زود آن روز می‌رسد و تماشاگران برایشان هورا می‌کشند.

همه دلشان می‌خواهد از بقیه قوی‌تر باشند. همه قهرمان بودن را دوست دارند. یک روز پیمان و پویا توی زنگ تفریح مدرسه رو در روی هم آمدند. پیمان داد زد: «چی فکر کردی، من زورم از تو بیشتر است. الان حسابت را می‌رسم.»

پویا سریع جلو آمد و یقه‌ی لباس پیمان را گرفت و گفت: «الان معلوم می‌شود زور کی بیشتر است» و پیمان را هل داد. بچه‌ها تا داد و فریاد پویا و پیمان را شنیدند، با عجله دورشان حلقه زدند. یکی می‌گفت: «دعوا نکنید.» یکی می‌گفت: «الان آقای ناظم می‌رسد.» یکی هم می‌گفت: «پیمان قوی‌تر است. من می‌دانم.» همین موقع آقای جوادی معلم ورزش از راه رسید. تا پیمان و پویا را در حال دعوا دید، سریع جلو آمد. آن‌ها را از هم جدا کرد و گفت: «معلوم است دارید چه کار می‌کنید؟ مدرسه که جای دعوا نیست.» پیمان با خجالت سرش را پایین انداخت و گفت: «تقصیر پویا است. فکر کرده زورش از من بیشتر است.» پویا اخم کرد. آقای جوادی لبخندی زد و دست هردو را گرفت و گفت: «اینکه راهش نیست. اگر دوست دارید ببینید کی قوی‌تر است، راه‌های بهتری وجود دارد. لازم نیست دعوا کنید. می‌توانید با هم مسابقه بدهید. مثلاً می‌توانید کشتی بگیرید. خیلی از پهلوانان بزرگ ایران کشتی گیر بوده‌اند؛ مثل پوریای ولی و جهان پهلوان تختی.» پیمان تا اسم تختی را شنید، با صدای بلند گفت: «من تختی را می‌شناسم. عکسش را توی مجله دیده‌ام.» آقای جوادی سری تکان داد و گفت: «تختی قهرمان خیلی بزرگی بود. یک کشتی گیر واقعی. زورش از خیلی‌ها بیشتر بود، اما اهل دعوا نبود و همه را دوست داشت. حتی وقتی فهمید دست رقیبش آسیب دیده، وسط مسابقه مواظب بود که به دست آسیب دیده رقیبش دست نزند. او یک پهلوان واقعی بود.» پویا آهی کشید و گفت: «کاش من هم مثل تختی شوم! چه جوری می‌شود مثل او قهرمان شد؟» آقای جوادی سریع جواب







بستنی هلویی

آن روز عصر خانه مونا مهمانی بود. مادر داشت وسایل پذیرایی را آماده می کرد. مادر به مونا گفت که می خواهد بستنی هلویی درست کند. مونا هم خوش حال شد و گفت: آخ جون! من بستنی هلویی خیلی دوست دارم! بعد هم از مادر خواست که با هم بستنی را درست کنند. مادر هلوهایی را که از قبل خرد کرده بود و در فریزر گذاشته بود آورد و از مونا خواست خامه و شیر را بیاورد. بعد همه مواد را داخل مخلوط کن ریختند و خوب هم زدند. وقتی مواد با هم مخلوط شدند مادر مزه آن را چشید و گفت: «یک کم شکر لازم داره». مونا شکر را آورد و به بستنی اضافه کردند و دوباره هم زدند. بعد مادر مواد بستنی را داخل ظرف ریخت و توی فریزر گذاشت. عصر وقتی مهمان ها با بچه هایشان آمدند مونا به مادرش کمک کرد تا بستنی را داخل ظرف بریزد. هوا گرم بود و خوردن بستنی حسایی می چسبید. بچه ها میوه های فصل تابستان مثل هلو توی این روزهای گرم کمک می کنند تا بدن ما خنک بماند و گرمای گرمازده نشویم.



چی لازم داریم؟

هلو: ۲۵۰ گرم

خامه صبحانه: ۲ تا ۳ قاشق غذاخوری

شیر: نصف لیوان

شکر: به اندازه لازم





بانک ها و پول ها



- شاید خیلی از شما قلکی دارید که هر چند وقت یک بار کمی پول در آن می اندازید. شاید آرزویتان این باشد که پول های قلک ذره ذره بیشتر شوند و یک روز قلکی پر از پول داشته باشید. این شکل پس انداز خیلی خوب است. اما آیا تا به حال فکر کرده اید که پول هایتان را چند سوت طلا بخرید یا در بانک پس انداز کنید؟ اصلاً چقدر درباره ی کار بانک های می دانید؟
- بانک ها از همان دوران باستان در سرزمین های چین، مصر، هند، بین النهرین، ایران و یونان وجود داشتند. البته آن زمان کار بانک ها با الان کمی فرق داشت. هر کدام از این بانک ها به یک شکلی کار می کردند. چیزهای مختلفی مثل: گندم و جو، گاو، سکه های فلزی و حتی اسکناس کاغذی در این بانک ها معامله می شد. خیلی از این بانک ها پول ها، سکه ها و وسایل قیمتی مردم را نگهداری می کردند و در عوضش به کشاورزان و تاجران وام پرداخت می کردند.
 - بانک ها باین کار به رشد و پیشرفت تجارت و اقتصاد بسیار کمک می کردند و باعث می شدند خرید و فروش به راحتی انجام شود. دیگر لازم نبود مردم برای خرید و فروش گندم یا گوسفند هایشان کلی دنبال مشتری بگردند. بانک ها کار را راحت کرده بودند.
 - همین الان هم بانک ها خیلی از کارها را راحت کرده اند. شما خیلی راحت می توانید هر زمان به پول احتیاج داشتید از یک خودپرداز پول برداشت کنید حتی از آن هم راحت تر، آدم بزرگ ها به آسانی می توانند فقط با کمک گوشی خرید و فروش اینترنتی داشته باشند و به راحتی پول را جابه جا کنند بدون اینکه لازم باشد کلی اسکناس توی جیب داشته باشند.
 - جای پول شما در بانک امن است. دیگر لازم نیست مثل آدم های قدیم، پول هایتان را زیر خاک، زیر تشک، توی بالش و توی کمد و صندوقچه مخفی کنید و کلی قفل به در کمد و صندوقچه بزنید.

پس حالا که با بانک و کار آن بهتر آشنا شدید، بهتر است در اولین فرصت قلکتان را کنار بگذارید و یک حساب پس انداز در یکی از بانک ها برای خودتان باز کنید. زود باشید، عجله کنید و از همین حالا پس انداز برای آینده تان را شروع کنید.



دارو را درست مصرف کن

بیچه های عزیز حتما می دانید که مصرف دارو هایی که پزشک برای بیماری ما تجویز می کند، برای سلامتی ما ضروری و خوب هستند، اما باید یاد بگیریم چطور از آن ها درست استفاده کنیم. بیچه ها در این بازی راه های مصرف درست دارو را یاد می گیرند. بازی با تاس ۶ شروع می شود. برنده کسی است که مسیر را طی کند و به خانه ی پایانی بازی برسد.



شروع

اگر دوست داری یاد گیری وقتی بیمار شدی، چطور دارو ها را درست مصرف کنی تازودتر خوب شوی، با ما همراه شو. تاس بریز و شروع کن.

آفرین که قبل از خوردن دارو به اسمش نگاه می کنی که اشتباهی نخوری. ۲ خانه برو جلو.

مثل اینکه تب داری؟ چه کار خطرناکی می کنی که می خواهی از پیش خود قرص بخوری؟ بدون اجازه ی دکتر نمی توانی قرص بخوری. به خانه ی شروع برگرد و پیش دکتر برو.

آفرین که دارویت را سر می خوری تا زمانش دیر ندر بان رد شو و به خانه ی

ای وای خوردن این همه دارو یکجا ضرر دارد و خطرناک است. ۳ خانه عقب برگرد.

آفرین که بهانه گیری نمی کنی و دارو ها را می خوری تازود خوب شوی. ۳ خانه برو جلو.





پایان

آفرین که با ما همراه شدی و
یادگرفتی دارو را درست مصرف
کنی. تو برنده ی بازی شدی!

چی؟ حالت بهتر شده و دیگر
دارو نمی خوری؟ اما دارو که
هنوز تمام نشده! باید آن را
کامل مصرف کنی تا خوب خوب
شوی. ۳ خانه عقب برگرد.

چه کار خوبی می کنی
دارو را دم دست داداش
کوچولویت نمی گذاری.
دارو باید دور از دست
بچه های کوچولو باشد.
۲ خانه برو جلو.

اما این دارو
تاریخش گذشته!
نباید آن را بخوری
چون فاسد شده
است! به خانه ی
۱۸ برگرد.

باتاس ۵ حرکت کن.

وقت
شود. از
۲۸ برو.

چرا دارو را جلوی آفتاب
گذاشتی؟ دارو باید در جای
خنک و خشک و دور از
آفتاب نگه داشته شود تا
خراب نشود. یک بار تاس
نریز و دارو را بردار و در جای
خنکی بگذار.

چرا گریه می کنی؟
آمپول زدن که ترس
ندارد. حالت را
بهتر می کند. ۲ خانه
عقب برگرد.



گفتگو با قاری حرم رضوی:

از خاطرات جذابم تلاوت در بیت رهبری است



شبنم کریمی

بچه‌ها! در این دنیا هر آدمی آرزویی دارد. بعضی آرزوها بزرگ و برخی هم کوچک هستند. بعضی‌ها از خدای مهربان، بیشتر برای خودشان چیزی می‌خواهند اما بعضی افراد، هم برای خودشان دعا می‌کنند هم برای دیگران؛ مانند دعا برای ظهور آقا امام زمان (عج). محمد مهدی بابائی، دانش‌آموز موفق مدرسه شهید علی محمد گلشن، از کسانی است که به یکی از آرزوهای بزرگ خود رسیده و با وجود سن کمش خادم و مکبر و قاری حرم رضوی شده است. گفت‌وگوی ما با محمد مهدی را در ادامه دنبال کنید.



توفیق قرائت در حرم امام حسین (ع)

از شش سالگی به فراگیری قرآن علاقه مند شدم. ابتدا از مهد الرضا شروع کردم و سپس وارد حرم مطهر امام رضا (ع) شدم.

به دلیل اینکه قرآن، سرچشمه دانایی و ایمان است در این راه قدم گذاشتم و فهمیدم که قرآن راه اهل بیت (ع) و ائمه معصومین (ع) است و رسیدن به سعادت و خوشبختی برای انسان همان قدم گذاشتن در راه اهل بیت (ع) است. از سوی دیگر، ذکر اهل بیت ما را به قرآن نزدیک می‌کند. بنابراین انس با قرآن و اهل بیت (ع) برای آدم احساسی دل‌نشین است و هر انسانی با خواندن قرآن والگو قرار دادن اهل بیت (ع) خوشبخت می‌شود.

به منظور انجام مکبری، هر هفته در حرم توفیق اجرا دارم و برای برنامه تلاوت قرآن هم تابه حال توفیقات زیادی نصیب شده است و توانسته‌ام در حرم اجرا داشته باشم. مثلاً ماه مبارک رمضان برای ترتیل خوانی و انجام مراسم دیگر در حرم مطهر، دعوت شدم، اما یکی از خاطرات جذابم اجرا در بیت مقام معظم رهبری است.

همچنین تاکنون امام حسین (ع) مرا طلبیده و توفیق داشته‌ام که به کربلا بروم، شاید بسیاری از قاریان آرزوی تلاوت در حرم امام حسین (ع) را داشته باشند، شاکرم که من این توفیق را داشته‌ام در حرم امام حسین (ع) اجرای تلاوت قرآن و هم خوانی تواشیح انجام بدهم.





دعای والدین و رضایت خداوند

بهترین رابطه قلبی با ائمه و دوستی با ایشان را فقط نماز اول وقت و احترام به والدین و خواندن روزانه قرآن کریم می‌دانم. در این راه، پدر و مادر و استادانم به ویژه آقایان پنجه، نجاتیان و دهقان مشوق و عامل موفقیتیم بوده‌اند. اما در کنار همه این‌ها در ورزش، به رشته فوتسال علاقه مند هستم و امسال مقام اول کشوری این رشته را نیز کسب کردم. باتوکل به خداوند دوست دارم شغل شریف معلمی را در آینده انتخاب کنم. در درس و تحصیلم نیز عملکرد خوبی دارم و دلیل این موفقیت را ابتداء دعای والدین و رضایت خداوند و پس از آن برنامه ریزی مناسب و انجام ندادن کارهای بیهوده و تلاش خودم می‌دانم.



برنده فعالیت‌های قرآنی

تابه حال برای حافظ شدن برنامه ریزی نکرده‌ام اما هشت سورۀ از جزء ۳۰ را حفظ هستم. همچنین به دلیل اینکه هر قاری باید باتوجه به مفهوم قرآن، تلاوت کند معانی برایم اهمیت دارند. هر سال در مسابقات دانش آموزی تلاوت قرآن شرکت می‌کنم و از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ سه مرتبه مقام اول ناحیه و در سال ۱۴۰۳ مقام اول استان را کسب کرده‌ام. فعالیت مسجدی هم دارم و در ماه‌های محرم و صفر و ماه مبارک رمضان برای بچه‌ها کلاس‌های مذهبی مانند قرآن و مداحی و... برگزار می‌کنیم. باتوکل به خدا و زحمات پدر و مادر عزیزم و تلاش و کوشش خودم و لطف ائمه (ع) توفیق خدمت در حرم مطهر امام رضا (ع) را هم دارم. در اینکه امام رضا (ع) به رأفت و مهربانی معروف هستند شکی نیست و خودم بارها این حس را تجربه کرده‌ام. واقعا توصیف شدنی نیست.

فعالیت‌های مذهبی و قرآنی زیادی انجام می‌دهند. هرچه سن قاریان کمتر باشد مردم با شوق بیشتری استقبال می‌کنند که انگیزه زیادی برای ماست. اکنون هم در هیئت نوجوانان محبان‌الرضا (ع) برای اجرای تلاوت حضور پیدا می‌کنم. در ایام محرم و صفر هم در هیئت‌ها در زمینه قرآن فعالیت دارم که واقعا حس ارزشمندی است.

نماز اول وقت و احترام به والدین

به دوستانم می‌گویم تا جایی که می‌توانید نماز اول وقت و احترام به والدینتان را فراموش نکنید. اگر به این دوه خوبی عمل کنیم صد درصد در زندگی مان موفق می‌شویم. تا جایی که بتوانم سعی می‌کنم دوستان خود را به سوی قرآن ببرم که البته بیشتر آن‌ها مانند خودم قاری و مکبر و مداح هستند و

پرسر و صدا ولی زیبا



دنیا پر از آفریده های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می خواهیم برای شما دانستنی های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیربومی کشورمان بگوییم. در این شماره طوطی صورتی را معرفی می کنیم.

نام

طوطی طوق صورتی

نام علمی: *Psittacula krameri*

نام انگلیسی: Ring-necked Parakeet

رده

پرنندگان

خانواده

طوطیان

راسته

طوطی سانان



تغذیه

بیشتر از دانه ها، میوه ها، گل ها و شهد گل ها تغذیه می کند.



پراکندگی در ایران

معمولاً در شهرهای بزرگ و احتمالاً از قفس گریخته



تولید مثل

● جوجه آوری از اواسط دی تا اواسط خرداد آغاز می شود.

● ۳ تا ۶ تخم بیضی شکل صاف و به رنگ سفید می گذارد.

● باز شدن تخم ها ۲۵ تا ۲۸ روز طول می کشد.

● در حدود ۵۶ روزگی پرواز می کنند ولی همچنان در حدود ۲۱ تا ۲۸ روز پس از آن توسط والدین تغذیه می شوند.



لانه

آشیانه اش را در شکاف درختان یا آشیانه قدیمی دارکوب در ارتفاع درختان بزرگ و گاهی در شکاف سنگ ها بنا می کند.

پرنده ماده به کمک منقار با پر، خرده های چوب و سایر مواد گیاهی، آستری نرم در لانه اش ایجاد می کند.



ویژگی های ظاهری

- طول بدن ۳۸ تا ۴۲ سانتی متر
- بال ها ۴۲ تا ۴۸ سانتی متر
- شباهت زیاد به شاه طوطی اما جثه کوچک تر
- وجود خط سیاه در فاصله چشم ها تا منقار
- فقدان لکه قرمز روی شانه
- پرنده نر سر، روتنه و زیرتنه زرد مایل به سبز، طوقی صورتی رنگ در پس گردن و خط سیاه رنگی در گلو و چانه و دمی دراز دارد.
- پرنده ماده شبیه به نر است ولی خط تیره گلویی و طوق گردنی را ندارد.



خصوصیات رفتاری

- پرنده ای پرسرو صدا است.
- صدایش شبیه «کی-آک» شنیده می شود.
- بیشتر به صورت گروهی دیده می شود.
- پروازی قوی و سریع دارد.
- به طور ماهرانه ای از درخت بالا می رود.
- روی زمین به سختی راه می رود.



درس‌های گران بها



دوستان عزیز، شهرپور سالروز شهادت امام حسن عسکری (ع) امام یازدهم ماست. امام حسن عسکری (ع) تمام مدت شش سال امامت خود را تحت نظر حکومت ظالم عباسی بودند. برای همین لقب عسکری به معنای لشکری به آن امام اختصاص یافته است که اشاره به این دارد این امام بزرگوار به اجبار تحت نظر مأموران ستمگر عباسی بوده‌اند. دشمنان نمی‌خواستند که امام با مردم در تماس باشند بنابراین ایشان رازندانی کردند. در تمام این مدت مردم با نوشتن نامه از امام می‌خواستند که آن‌ها را در زندگی راهنمایی کنند و امام با فرستاده‌های خود با مردم در ارتباط بودند.

در اینجا چند حدیث از امام حسن عسکری (ع) را که می‌توانیم در زندگی از آن‌ها استفاده کنیم و درس‌هایی گران بها برای ما باشد می‌خوانیم.



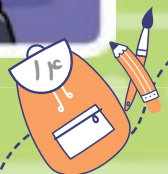
تفکر در قدرت خداوند مانند عبادت است.

۱ منظومه شمسی از میلیون‌ها کهکشان درست شده... که کهکشان راه شیری یکی از اون‌هاست.

۲ چقدر بزرگه

۳ واقعا این همه ستاره و سیاره تو آسمون هستن؟

۴ بله دنیای ما همین قدر بزرگ و عجیبه. ما باید همیشه به قدرت خداوند فکر کنیم و به خاطر نعمت‌هایی که به ما داده شکرگزار باشیم.



از شایعه و دروغ پردازی دوری کنید.

۱
امروز با مامان و بابا رفتیم برای خرید فرم مدرسه و کیف و کفش.

۲
من که هنوز کاری نکردم. آخه میگن امسال کلاس ها قراره مجازی برگزار بشه. دیگه لازم نیست فرم مدرسه بخریم.

۴
پسرم به احتمال زیاد شایعه است. اگه قرار باشه کلاس ها مجازی بشه حتما آموزش و پرورش اعلام می کنه.

۳
بچه ها میگن امسال قراره کلاس ها مجازی بشه.

اشکال کار و ایراد دیگران را با مهربانی به آن ها بگویید.

۱
یک...
دو... سه...
چهار...

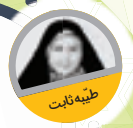
۳
بچه ها بابام داره استراحت می کنه. میشه لطفا آروم تر بازی کنین.

۲
چقدر سروصدا شون زیاده. بابا از سرکار اومده و داره استراحت می کنه. این وقت روز که موقع بازی کردن نیست.

۴
نمی دونستم صدامون تا خونه شما میرسه... باشه... میریم اون طرف حیاط. اگه دوست داری تو هم بیا بازی.

با خادمان کوچک

به شهر بهشت خوش آمدید



شهر ما همیشه به خاطر حرم نورانی امام رضا (ع) در تمام سال میزبان و پذیرای میلیون ها زائر و مسافر از همه جای دنیاست، اما سالروز شهادت امام هشتم (ع) که می شود، اقیانوسی از جمعیت دوستانه اهل بیت (ع) مهمان شهر ما می شوند. شهری که پراز نعمت و برکت و آرامش و نور است و ساکنانش از کوچک و بزرگ هر کسی به اندازه توان خود سعی می کند خدمتگزار خوبی برای زائران رضوی باشد. بچه های شهر امام مهربانی هم از این قافله خدمت جانمانده اند. دختران و پسرانی که تنها به احترام و افتخار خدمت به امام رضا (ع) و زائرانش به «عرصه میدان شهدا» آمده اند تا حضوری پرشور داشته باشند.



فاطمه زهرا نبئی، پایه سوم دبستان است. او در غرفه کودک و امام رضا (ع) پنج روز است که خدمت به زائران رضوی را با جان و دل انجام می دهد. او مسئول برج هیجان برای بچه هاست، هر قطعه برج، یک سؤال مناسب سن، درباره امام رضا (ع)، خودشناسی یا مقاومت و شجاعت مردم در جنگ تحمیلی دوازده روزه است.

ابوالحسن نبئی، برادر فاطمه زهرا راهنمای بازی جالب پرتاب تیر دارت هاست. دارت ها شبیه موشک به سمت صفحه دارت که شبیه پرچم اسرائیل و آمریکا است پرتاب می شود. او خیلی خوش حال است که از طریق مادر که عضو بسیج است برای این خدمت پنج روزه به کودکان زائر و پیاده رضوی داوطلب شده است.



امیر محمد واعظی، پایه پنجم است و وظیفه اش تمیز نگه داشتن فضای جلوی موبک های عرصه میدان شهداست. محمد طاها قهرمان و محمد جواد شیخی، پایه چهارم هم اگرچه از جاهای مختلف مشهد برای این خدمت رسانی انتخاب شده اند، اما با هم پاکبانی می کنند تا شهر مشهد برای میلیون ها زائر پیاده ایام ماه صفر تمیز و زیبا باشد.



محمد عرفان حسین پور، پایه ششم است. او در کنار دوستانش از اینکه افتخار پاکبانی یک قسمت کوچک از شهر امام رئوف را به صورت شیفت بندی از ساعت ۸ صبح تا ۱۱ شب به عهده دارد خوش حال است و می گوید: ان شاء... امام رضا (ع) از این قدم کوچک ما خوش حال باشد.



وقتی صحبت از مهمان نوازی است، بچه های مشهد سنگ تمام می گذارند. اینجا چایخانه حضرت قاسم ابن الحسن (ع) حوالی میدان شهداست. محمد رسولی و دوستانش از اینکه از صبح تا شب شهادت امام رضا (ع) لباس خدمت پوشیده اند و گلوی تشنه زائری را به یک استکان چای مهربانی دعوت می کنند، خسته نمی شوند.



توی عرصه میدان شهدا روبه روی غرفه های شهرهای مختلف ایران، علی رضایی و دوستانش با مخزن گلاب، هوای عرصه را برای جمعیت زائر رضوی معطر می کنند. آن ها خوش حال هستند که با این کارشان در این پنج روز آخر ماه صفر دل امام رضا (ع) و زائران و همشهری های خود را خشنود می کنند.



باتشکر از عکاس محترم خانم بیات



تصویرگر: حامد غفاریان